

## Sadegh Hedayat's attitudes and historical writings

Eftekhar Gasemzadeh<sup>1</sup>  
Dr. Fatemeh Ahmadvand<sup>2</sup>

### Abstract

Sadegh Hedayat is one of the most important figures of the westernist intellectual current in twentieth-century Iran and one of the most famous modern Iranian novelists. Among his many works, historical writings have a significant place and, more importantly, the historical attitudes of this author who has been the motivation for writing many of his works. This research has tried to provide an analysis of the historically valuable works of this author, to recognize the historiographical understanding and historical attitudes of Hedayat and seeks to find answers to these questions: What is the place of history in Hedayat's works? And what are the most important components in their historical attitudes?; Therefore, these works are classified in three main forms of historical dramas with the theme of ancient frustration of Iranians subjugated against non-Iranian attacks, correction, and translation of Pahlavi historical texts from the Sassanid era and works with the anthropological theme. Analytical knowledge of these works, which is provided by the descriptive-analytical method and conceptual study of his literary works, shows that nationalist attitude, historical antiquity, and Zoroastrianism, and racist enmity with non-Iranian elements are the main components of historical attitudes.

**Keywords:** Sadegh Hedayat, History, Nationalism, Historiography.

---

<sup>1</sup> (Corresponding Author) Graduate of the Department of History of Culture and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Islamic Sciences and Research, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. [eftekhargasemzadeh@gmail.com](mailto:eftekhargasemzadeh@gmail.com)

<sup>2</sup> Assistant Professor, Department of History of Culture and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Islamic Sciences and Research, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. [ahmadvand@isr.ikiu.ac.ir](mailto:ahmadvand@isr.ikiu.ac.ir)

Date of receipt:2021-01-27 , Date of acceptance: 2021-05-29

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

## نگرش‌ها و نگارش‌های تاریخی صادق هدایت

(مقاله پژوهشی)

افتخار قاسم زاده\*

دکتر فاطمه احمدوند\*\*

### چکیده

صادق هدایت از مهم‌ترین چهره‌های جریان روشنفکری غرب‌گرا در ایران سده بیستم و از مشهورترین داستان‌نویسان ایرانی به سبک مدرن است. در میان آثار متعدد او، نگارش‌های تاریخی دارای جایگاهی قابل توجه هستند و مهم‌تر از آن، نگرش‌های تاریخی این نگارنده که انگیزه و مایه نگارش بسیاری از آثار وی بوده است. این پژوهش کوشیده است تا ضمن ارائه تحلیلی از آثار دارای ارزش تاریخ‌نگارانه این نویسنده، درک تاریخ‌نگارانه و نگرش‌های تاریخی هدایت را مورد بازشناسی قرار دهد و درصدد یافتن پاسخ این پرسش‌ها است که تاریخ چه جایگاهی در آثار هدایت دارد؟ و مهم‌ترین مؤلفه‌ها در نگرش‌های تاریخی ایشان چیست؟ لذا این آثار در سه قالب اصلی درام‌های تاریخی و با مضمون سرخوردگی باستانی ایرانیان مقهور در برابر حملات غیر ایرانیان، تصحیح و برگردان متون تاریخی پهلوی از دوران ساسانی و آثاری با مضمون مردم‌شناسانه دسته‌بندی می‌شوند. شناخت تحلیلی این آثار که با روش توصیفی-تحلیلی و مطالعه مفهومی آثار ادبی وی فراهم آمده است، نشان می‌دهد که نگرش ملی‌گرایانه ناسیونالیستی،

\* (نویسنده مسئول) دانش آموخته کارشناسی‌ارشد گروه تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده علوم و

تحقیقات اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. [eftekhargasemzadeh@gmail.com](mailto:eftekhargasemzadeh@gmail.com)

\*\* استادیار گروه تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، دانشگاه بین‌المللی

امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. [ahmadvand@isr.ikiu.ac.ir](mailto:ahmadvand@isr.ikiu.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۸

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۲۵۸ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای/ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، نگرش‌ها و نگارش‌های تاریخی صادق هدایت (نویسندهٔ اول: قاسم زاده).

باستان‌گرایی و زرتشتی‌گرایی تاریخی و دشمنی نژادگرایانه با عناصر غیر ایرانی، عمده‌ترین مؤلفه‌های نگرش‌های تاریخی هدایت را تشکیل می‌دهند.

**کلیدواژه‌ها:** صادق هدایت، تاریخ، ناسیونالیسم، تاریخ‌نگاری.

## ۱. مقدمه

صادق هدایت (۱۲۸۱ ش - ۱۳۳۰ ش) جزء روشنفکران و داستان‌نویسان سده بیستم و از پیشگامان مدرنیسم در جامعه ایرانی محسوب می‌شود (سپانلو، ۱۳۸۷: ۱۰۳). هر چند او یک مورخ نبوده، اما توجه وی به تاریخ ایران باستان و به‌ویژه عصر ساسانی و نیز فضاهای تاریخی و گزاره‌های تاریخی قابل توجه در آثارش، موجب اهمیت بررسی دیدگاه‌های تاریخی وی در این آثار می‌شود. زندگی هدایت با تحولات مهمی مانند انقلاب مشروطیت، سلطنت رسیدن رضاشاه و کودتای ۲۸ مرداد هم‌زمان است (نک: هیلمن، ۱۳۷۱: ۴۱۴؛ جنتی عطائی، ۱۳۵۷: ۱-۴، ۳۰). علاوه بر این، بخشی از زندگی هدایت متأثر از زندگی در ایران و بخشی دیگر، متأثر از زندگی در خارج از ایران است (نک: همایون کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۴۶، ۹۲؛ دهباشی، ۱۳۸۰: ۴۳۶؛ دستغیب، ۱۳۵۷: ۱۵).

هدایت در زمانه‌ای می‌زیست که خواسته‌های تجددطلبانه روشنفکران ایرانی از اواسط سده نوزدهم به بعد، گروش به مدرنیسم را بر جامعه حاکم ساخته بود. این امر، هم‌زمان با برداشت‌های هدایت از دنیای غرب و از سوی دیگر، گرایش وی به عناصری از فرهنگ ایران باستان توأم شده بود. هدایت از مؤثرترین چهره‌های جریان روشنفکری غرب‌گرا به شمار می‌آید که گریز از تاریخ ایران دوران اسلامی، روی‌آوری غمگانه به تاریخ دست‌نیافتنی ایران باستان و گرایش به برخورداری از مواهب تمدنی مدرنیسم مهم‌ترین شاخصه‌های اندیشه آنان بود و در این میان، هدایت از مهم‌ترین چهره‌های این جریان است.

این پژوهش بر آن است تا نگاهی معنا‌شناسانه به نگرش تاریخی هدایت داشته باشد و رسیدن به این منظور را از رهگذار بازشناخت تاریخ و بن‌مایه‌های تاریخی از آثار هدایت به دست

می‌آورد و یا به عبارتی دیگر، شناخت درک تاریخی هدایت و بازتاب آن در آثارش و پاسخ به این پرسش‌ها: ۱. تاریخ چه جایگاهی در آثار هدایت دارد؟ (سؤال اصلی) ۲. مهم‌ترین مؤلفه‌ها در نگرش‌های تاریخی هدایت چیست؟ (سؤال اصلی) ۳. عوامل تأثیرگذار در نگرش تاریخی هدایت چه بوده‌اند؟ (سؤال فرعی).

## ۲. پیشینه تحقیق

آثار هدایت از جنبه‌های گوناگونی مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ ولی تلاش برای شناخت ارزش تاریخی آثار وی و شناخت نگرش تاریخی وی در این آثار کمتر مورد توجه بوده است. در میان پژوهش‌های انجام شده و تا حدی مرتبط با موضوع حاضر، می‌توان به این آثار اشاره کرد: سخنان محمد هاشمی که مطالعه‌ای است بر درام تاریخی صادق هدایت از دیدگاه نقد تاریخ‌گرایان نو که در دوازدهمین هم‌اندیشی حلقه نشانه‌شناسی تهران با موضوع «نشانه‌شناسی تاریخ» در مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی برگزار شد. این سخنرانی به صورت مقاله در دسترس است.<sup>۱</sup> طائفی اردبیلی در کتاب «صادق هدایت در آینه‌ی آثارش» تأثیر جامعه بر هدایت و تأثیر هدایت بر جامعه را مورد بررسی قرار داده است. پایان‌نامهٔ محبوبه غفاری توران با عنوان «بررسی دیدگاه سیاسی و اجتماعی صادق هدایت در آثارش»؛ پایان‌نامهٔ سیمین دخت گودرزی با عنوان «بررسی و نقد ترجمه‌های صادق هدایت از متون پهلوی بر پایه دو کتاب زند و هومن یسن و کارنامه اردشیر بابکان»؛ کتاب‌های «نقد و تفسیر آثار صادق هدایت» نوشته‌ی محمدرضا قربانی؛ «نقد آثار صادق هدایت» نوشته‌ی عبدالعلی دستغیب و مقالات «سال‌شمار زندگی صادق هدایت» نوشته‌ی مایکل هیلمن (Hillmann Michael) و «ناسیونالیسم رمانتیک در افکار و آثار صادق هدایت» نوشته‌ی علیرضا ذاکر اصفهانی را می‌توان آثاری در این حوزه دانست که البته هیچ‌یک از این آثار به‌طور مستقل به نگارش‌ها و نگرش‌های تاریخی هدایت پرداخته‌اند.

۲۶۰ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای/ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، نگرش‌ها و نگارش‌های تاریخی صادق هدایت (نویسنده اول: قاسم زاده).

### ۳. بحث و بررسی

#### ۳-۱. نگارش‌های تاریخی صادق هدایت

آثار متعدد هدایت در طول بیست‌وپنج سال فعالیت ادبی و تحقیقی و ترجمه از زبان‌های پهلوی و فرانسه، مشتمل بر بیش از صد و شصت اثر کوتاه و بلند است. تمام این آثار به جز چند نوشته در زمان حیات وی به صورت کتاب و جزوه‌های کوچک و یا در مجله‌ها و نشریه‌های گوناگون به چاپ رسیده است. این آثار طیفی متنوع شامل داستان‌ها، نمایش‌نامه‌ها، ترجمه‌ها، مقدمه‌ها، سفرنامه‌ها، مقالات و یادداشت‌های تحقیقی و انتقادی را شامل می‌شود (بهارلو، ۱۳۷۴: ۴۱).

پژوهش‌های نوآورانه هدایت و آثاری که حاوی نگرش‌ها و درک تاریخی وی است، شامل: آثار مردم‌شناسانه، درام‌های تاریخی و یا آثار میان‌رشته‌ای با زمینه‌ای تاریخی و نیز تصحیح و برگردان‌های متون پهلوی ساسانی است که می‌توان آن‌ها را چنین دسته‌بندی کرد: (۱) داستان‌ها و نمایشنامه‌های تاریخی (عمدتاً با مضامین تاریخی از ایران باستان)، (۲) تصحیح و برگردان متون پهلوی ساسانی، (۳) آثاری با محتوای ایران‌شناسانه و یا مردم‌شناسانه.

#### ۳-۱-۱. داستان‌ها و نمایشنامه‌های تاریخی

۳-۱-۱-۱. نمایشنامه پروین دختر ساسان: این نمایشنامه تاریخی که در سه پرده تنظیم شده است، سرگذشت دختری به نام پروین را بازگو می‌کند که در زمان فتح ایران توسط اعراب و در حدود سال ۲۲ هجری در شهر ری اسیر می‌شود. هدایت این اثر را در سال ۱۳۰۷ ش و در فرانسه تألیف و در سال ۱۳۰۹ ش توسط کتابخانه فردوسی منتشر کرد. پرده اول این نمایشنامه «در بحبوحه جنگ عرب‌ها با ایرانیان در حدود سنه ۲۲ هجری در شهر ری (راغا) می‌گذرد. ساختمان خانه، پیرایش و درون آن‌همه مربوط به شیوه دوره اخیر (اواخر ساسانی) است» (هدایت، ۱۳۰۹: ۳). پایان پرده اول به شکل یک ملودرام عاشقانه است و پروین و پرویز را در کنار یکدیگر نشان می‌دهد. پرویز که از افسران پادگان شهر

است، خداحافظی می‌کند و به قرارگاهش در سنگرهای دفاعی باز می‌گردد. در پردهٔ دوم پدر پروین که دچار بیماری است، پس از آنکه چهار سرباز وارد خانه می‌شوند و نوکر را می‌کشند و پروین را با خود می‌برند، جان می‌سپارد. در پردهٔ سوم، فرمانده لشکر اعراب به پروین اطلاع می‌دهد که نامزدش در جنگ کشته شده و قصد تعرض به وی می‌کند. پروین خنجر او را می‌کشد و خود را می‌کشد (هدایت، همان). در این نمایشنامه پروین کنایه از ایران است و خودکشی پروین شاید کنایه از تسلیم ایرانیان در برابر عربان باشد. پدر پروین هم می‌تواند نمادی از شاه ساسانی باشد (همان: ۶).

منابع و تحقیقات تاریخی مورد استفاده صادق هدایت در تدوین این نمایشنامه چنین ذکر شده است: ۱. کتاب «هنر در ایران باستان» تألیف فریدریش زاره (Friedrich Sarre) ۲. حسین کاظم‌زاده ایرانشهر<sup>۳</sup>. یوزف مارکورات<sup>۴</sup>. هفته‌نامه «اشپیگل» (Der Spiegel) ۵. دارمستر<sup>۶</sup>. کریستنسن<sup>۷</sup>. هدایت در بیان منابع مورد استفاده‌اش در این اثر تنها به ذکر نام این اشخاص بسنده کرده و از آثارشان نامی نمی‌برد؛ وی از منابع دیگری هم استفاده کرده که با اصطلاحاتی همچون «به قول تاریخ نویسان» یا «در منابع تاریخی آمده» اکتفا می‌کند و ذکری از این منابع نمی‌کند (نک: هدایت، ۱۳۰۹، جاهای متعدد).

نمایشنامه با توصیف ویژگی‌های هنر دورهٔ ساسانی در ابتدای هر پرده آغاز می‌شود (نک: هدایت، ۱۳۰۹). هدایت در اولین پردهٔ نمایشنامه ادعا می‌کند که وقایع نمایشنامه تا حدی با واقعیت‌های تاریخی مطابقت دارد: «تا اندازه‌ای که در دسترس نگارنده بود، این پرده را با وقایع تاریخی مطابقت داده، همچنین سپاسگزار آقای کاظم‌زاده ایرانشهر می‌باشم که در این قسمت کمک گران‌بهایی به این‌جانب کرده‌اند» (هدایت، ۱۳۰۹: ۵). تلاش هدایت برای تطبیق و بازسازی بسیاری از صحنه‌های نمایشنامه با واقعیت‌های تاریخی یا آثار باقی مانده از دوره ساسانی ملموس است؛ برای مثال بیان می‌کند: «مطابق اسناد تاریخی فروش دختران ایرانی به دست عرب‌ها معمول بوده است» (هدایت، ۱۳۰۹: ۷). یا در گفت‌وگوی چهره‌پرداز با دخترش پروین آنجا که به پروین دل‌داری می‌دهد «... اگر ما بتوانیم دو سه روز دیگر

۲۶۲ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای/ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، نگرش‌ها و نگارش‌های تاریخی صادق هدایت (نویسندهٔ اول: قاسم زاده).

ایستادگی کنیم، دیلمیان با توشه و اندوخته به کمک ما خواهند آمد» (هدایت، همان: ۹). هدایت در پاورقی توضیح می‌دهد که «به قول تاریخ نویسان اهالی دیلم با اهالی ری در جنگ با عرب‌ها دست به یکی شده بودند»<sup>۶</sup> (همان‌جا). ولی منابع مورد استفاده خود را ذکر نکرده است.

**۳-۱-۱-۲. آتش پرست:** "آتش پرست" از مجموعه داستانی زنده‌به‌گور،<sup>۷</sup> داستانی کوتاه از هدایت است که در سال ۱۳۰۹ به رشته تحریر درآمده. داستان آتش پرست برگرفته از یادداشت‌های فلاندن است. اوژن فلاندن (Jean-Baptiste Eugène)، ایران‌شناس فرانسوی، همراه با همکارش پاسکال کاست (Pascal Coste) در سال‌های ۱۸۴۱-۱۸۴۰ م، هم‌زمان با سلطنت محمدشاه قاجار (۱۲۱۳-۱۲۲۷ ه.ش/۱۸۳۴-۱۸۴۸ م)، به جهت انجام کاوش‌های باستان‌شناسی به ایران سفر کرده بودند (هدایت، ۱۳۴۲: ۶۷). در داستان آتش پرست گفتگوی فلاندن که تازه از ایران به پاریس برگشته است با دوستش، بهانه‌ای می‌شود تا نویسنده حس وطن پرستی‌اش را در ارادت خالصانه‌اش نسبت به آیین زرتشت به نمایش درآورد (همان: ۳۴؛ حلقه نقد، ۱۳۸۵: ۶۲).

**۳-۱-۱-۳. سایه مغول:** سایه مغول داستان کوتاهی است که هدایت در مجموعه انیران با دو داستان دیگر از بزرگ علوی و شین پرتو<sup>۸</sup> در سال ۱۳۱۰ منتشر کرده است.<sup>۹</sup> ماجرای داستان سایه مغول حول محور تاریخی حمله مغول به ایران روی می‌دهد. هدایت، در ابتدای داستان، مطلبی از متن پهلوی زند و هومن یسن می‌آورد که در آنجا هجوم قومی از نژاد خشم که ایران را ویران می‌کند، پیشگویی شده است (هدایت، ۱۳۱۰: ۴۱). هدایت در این داستان سعی دارد تا صحنه‌هایی از نبرد میان نیکی و بدی و جنایاتی که با حمله مغولان به ایران شده است را به تصویر کشد. شخصیت‌های داستان شاهرخ و گلشاد هستند. وی در این داستان اشاراتی به آیین‌ها و اعتقادات دین زرتشت نیز دارد و مغولان را مطابق با عباراتی که در متون زرتشتی دربارهٔ اهریمن ارائه شده، به تصویر می‌کشد (هدایت، ۱۳۱۰: ۴۵، ۵۰)؛ گویی هدایت

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، نگرش‌ها و نگارش‌های تاریخی صادق هدایت (نویسندهٔ اول: قاسم زاده).  
۲۶۳

باوری نامحسوس به تلقی‌های آخرالزمانی زرتشتیان داشته است. در این داستان به هیچ یک از منابع تاریخی استناد نشده است.

**۳-۱-۱-۴. مازیار:** صادق هدایت این نمایشنامه را بر پایهٔ قیام مازیار بن قارن و نداد هرمزد علیه خلافت عباسی و در دو بخش تألیف کرده است. بخش اول کتاب شرح زندگانی و گزارش احوال مازیار، به قلم مجتبی مینوی است. بخش دوم یک درام تاریخی در سه پرده اثر هدایت و یادآور وقایع تاریخی قیام مازیار است و در سال ۱۳۱۲ ش توسط انتشارات امیرکبیر منتشر شده است (مینوی و هدایت، ۱۳۱۲: ۷۲۰).

هدایت این نمایشنامه را از آنجایی آغاز می‌کند که جاسوسان خلیفه پس از پی بردن به ارتباط میان مازیار و افشین به عمارت مازیار وارد شده و او را با حيله وادار به افشای توطئهٔ افشین علیه خلیفه می‌کنند؛ سپس او را به قتل می‌رسانند. در طول این نمایشنامه نیز از آداب، آیین‌ها و مراسم زرتشتی بسیار سخن به میان می‌آید (برای نمونه نک: هدایت، ۱۳۴۲: ۹۰، ۹۹). این موارد نشان می‌دهد که هدایت بیش از آنکه در اندیشهٔ اجرای نمایشنامه‌اش باشد، در پی آن است که به خواننده اطلاعات بیشتری دربارهٔ فرهنگ و تاریخ ایران باستان ارائه دهد. وی می‌نویسد: «نوشتن این داستان‌ها و روشن کردن این فصول از تاریخ زندهٔ ایران از اهم واجبات است» (هدایت، ۱۳۴۲: ۱۲). منابعی که هدایت در تدوین این نمایشنامه مورد استفاده قرار داده است، بدین شرح آمده است: ۱. کتاب «صد در نثر یا صد در نثر»؛ ۲. کتاب «نیرنگستان»؛ ۳. «برهان قاطع»؛ ۴. «آثار الباقیه عن القرون الخالیه» تألیف ابوریحان بیرونی؛ ۵. کتاب «تاریخ ثعالبی یا غرر اخبار ملوک فرس و سیرهم» نوشتهٔ ابومنصور ثعالبی به نقل از مقالهٔ مجتبی مینوی با عنوان «جشن‌های ایرانی (مهرگان در تاریخ)» در مجلهٔ تقدم؛ ۶. یادداشت‌های مجتبی مینوی از تاریخ طبری و تاریخ طبرستان بهاءالدین محمد بن اسفندیار؛ ۷. سیاست‌نامهٔ خواجه نظام الملک طوسی؛ ۸. ویس و ورامین فخرالدین اسعد گرگانی (نک: هدایت، همان).

ظاهراً نویسندگان این اثر در برخی موارد چندان به گزارش‌های موجود در منابع تاریخی پایبند نبوده‌اند؛ چنانکه به جهت مخدوش نشدن تصویر مازیار، دربارهٔ ماجرای خیانت وی به



۲۶۴ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای/ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، نگرش‌ها و نگارش‌های تاریخی صادق هدایت (نویسندهٔ اول: قاسم زاده).

برادران و بستگانش سکوت کرده‌اند. با این حال، مینوی پس از مرگ هدایت در چاپ دوم کتاب مازیار، به تحریف خود نسبت به این مطلب اشاره کرده است (هدایت، ۱۳۴۲: ۱۳).

**۳-۱-۱-۵. آفرینگان<sup>۱۰</sup>:** آفرینگان داستانی که فضا و شخصیت‌های آن برگرفته از فرهنگ، تاریخ و آیین‌های ایران باستان و دین زرتشتی است (نک: هدایت، ۱۳۳۱).

**۳-۱-۱-۶. آخرین لبخند:** به شرح تلاش‌های برمکیان برای استقلال ایران و اقدامات آنان علیه خلیفه عباسی، براندازی و قتل عام برمکیان در زمان هارون‌الرشید و نیز بیان اخباری از دربار خلیفه و اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران عصر اول عباسی، توصیف شهر طوس و نیز انتقاداتی از سیاست‌های هارون و ناسپاسی وی در قبال ایرانیان می‌پردازد (نک: هدایت، ۱۳۳۱).

**۳-۱-۱-۷. تخت ابونصر:** یکی دیگر از داستان‌های هدایت، داستان تخت ابونصر از مجموعه داستانی سگ ولگرد است که در سال ۱۳۲۱ منتشر شده. هدایت در این داستان علاقه خود به فرهنگ و آیین‌ها و اعتقادات ایران باستان و زبان پهلوی را نشان می‌دهد (نک: هدایت، ۱۳۴۲).

### **۳-۱-۲. تصحیح و برگردان متون پهلوی**

هدایت در جریان سفر به هند در سال ۱۳۱۵ ه. ش و در مدت نزدیک به دو سال، زبان پهلوی را آموخت (آرین پور: ۳۶۰). وی پس از بازگشت، برخی متون پهلوی را تصحیح و یا به زبان فارسی رایج برگرداند و بر آن‌ها مقدمه‌هایی نگاشت. محور مطالب این متون پهلوی عمدتاً دین زرتشت و بازتاب آن در ادیان سامی است. هدایت در مقدمه‌هایی که بر این آثار نگاشته، پس از معرفی رساله و ارائه اطلاعات نسخه‌شناسی و دورنمای متن، با شور بسیار به بازگویی نقش ایرانیان در شکل‌گیری تمدن جهانی می‌پردازد (میر عابدینی، ۱۳۸۰: ۳۶). از جمله این متون:

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، نگرش‌ها و نگارش  
های تاریخی صادق هدایت (نویسندهٔ اول: قاسم زاده).  
۲۶۵

**۳-۱-۲-۱. گجسته ابالیش:** هدایت در سال ۱۳۱۸ ه. ش. رسالهٔ پهلوی گجسته ابالیش را در تهران منتشر کرد. مضمون این رساله شرح مجادله یا مناظره دینی ابالیش زندیق با آذر فرنیغ<sup>۱</sup>، پسر فرخزاد، موبد زرتشتی، در حضور مأمون عباسی، بزرگان مسیحی و مسلمان و قاضی دربار است (آذر فرنیغ فرخزادان، ۱۳۷۶: ۸).

**۳-۲-۱-۲. شهرستان‌های ایران:** شهرستان‌های ایران‌شهر از حیث اطلاعات جغرافیایی و افسانه‌ها از مهم‌ترین متون پهلوی محسوب می‌شود که هدایت آن را به فارسی معاصر برگرداند و در ۱۳۲۱ ه. ش در مجلهٔ مهر منتشر کرد. این رسالهٔ جغرافیایی، مطالبی در خصوص وجه تسمیه و تاریخ بنای برخی از شهرهای ایران به دست شاهان ارائه می‌دهد. این اثر از نویسنده‌ای ناشناس و از قدیمی‌ترین متون جغرافیایی ایران عصر ساسانی محسوب می‌شود که احتمالاً در سده‌های نخستین اسلامی، به‌ویژه در عصر خلافت مأمون عباسی (۱۹۸-۲۱۸ ه. ق.) باز تحریر شده است (نک: هدایت، ۱۳۲۱: ۴۷؛ نیز درباره اهمیت این اثر نک: اتحاد، ۱۳۷۸: ۲۰۶؛ پیگولوسکایا، ۱۳۷۷: ۱۶۰-۱۶۳؛ گودرزی، ۱۳۹۰: ۱۵).

هدایت، در این اثر با روشی متفاوت از قبل، متن پهلوی و ترجمهٔ فارسی آن را در دو ستون روبه‌روی یکدیگر قرار داده و امکان مقایسه دقیق‌تر با دیگر ترجمه‌ها و تصحیح‌های صورت گرفته از متن را فراهم آورده است. وی همچنین، تفسیرهایی از لحاظ تاریخ و زبان‌شناسی و ترجمه به متن افزوده و خاطر نشان کرده است که این متن بر اساس متن پهلوی و حواشی مارکوارت تنظیم شده است (نک: هدایت، همان، ۴۸؛ برای اطلاعات بیشتر درباره این اثر نک: آرین پور، ۱۳۷۴: ۳۶۱).

**۳-۲-۱-۳. گزارش گمان شکن:** صادق هدایت، در سال ۱۳۲۲ ه. ش، چهار باب از کتاب شکنند گمانیک ویچار / «شکند ویمانیک ویچار» (گزارش گمان شکن یا شرح رفع شبهه) را به زبان فارسی رایج برگرداند و آن را با مقدمه‌ای دربارهٔ مبانی کتاب و شرحی از مؤلف و خلاصهٔ ابواب کتاب و مطالبی دربارهٔ نسخه اصلی و پژوهش‌های خاورشناسان بر روی این اثر منتشر کرد (هدایت، ۱۳۲۲: ۴-۵). در این کتاب، برخلاف بیشتر متون فارسی

۲۶۶ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای/ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، نگرش‌ها و نگارش‌های تاریخی صادق هدایت (نویسندهٔ اول: قاسم زاده).

میانه، نویسنده برای اثبات عقاید زرتشتی و برای آنکه آن را برتر از دیگر ادیان نشان دهد از منطق و استدلال بهره برده است (برای بررسی بیشتر این اثر نک: گودرزی، ۱۳۹۰: ۱۵؛ اتحاد، ۱۳۷۸: ۲۰۴).

**۳-۱-۲-۴. یادگار جاماسب:** یادگار جاماسب قطعه‌ای از کتاب معروف جاماسب‌نامه است که موضوع آن پرسش و پاسخ‌های دینی، تاریخی و جغرافیایی میان شاه گشتاسب با حکیم جاماسب، وزیر گشتاسب و داماد زرتشت است و هدایت در ۱۳۲۲ هـ ش آن را با مقدمه‌ای به قلم خود منتشر کرد. دو باب آخر کتاب پیشگویی‌های زرتشت در مورد آینده ایران از زبان جاماسب است. این دو باب که خود موضوع جداگانه‌ای را تشکیل می‌دهد، توسط هدایت برگردان شده و بر آن عنوان یادگار جاماسب نهاده است (هدایت، ۱۳۷۹: ۴۸۱؛ برای اطلاعات بیشتر نک: آرین پور، ۱۳۷۴: ۳۶۱).

**۳-۱-۲-۵. زند و هومن یسن:** هدایت به هنگام تحقیق بر روی جاماسب‌نامه، متوجه پازندهایی شد که در قرن سوم هجری بر روی کتاب زند و هومن یسن انجام شده است. زند و هومن یسن یا زند بهمن یسن متنی پهلوی است، اثر نویسندهٔ ناشناس که در آن اورمزد رویدادهای آیندهٔ ایران را تا پایان عمر جهان برای زرتشت پیشگویی می‌کند (نک: هدایت، ۱۳۴۲). این کتاب اطلاعات سودمندی در زمینه‌های گوناگون فرهنگ ایرانی به دست می‌دهد (راشد محصل، ۱۳۸۵: ۷). او با بهره‌جویی از متن مورد اطمینان استادش، بهرام گور انکلساریا که در ۱۹۱۹ م / ۱۲۹۸ ش در بمبئی به طبع رسانده بود، این اثر را به زبان فارسی برگرداند و در ۱۳۲۳ هـ ش در تهران چاپ کرد (نک: هدایت، ۱۳۴۲).

**۳-۱-۲-۶. کارنامه اردشیر بابکان:** یکی از مهم‌ترین این آثار تاریخی فارسی میانه (پهلوی ساسانی) رسالهٔ کوچکی به نام کارنامه<sup>۱۲</sup> اردشیر بابکان است (نک: هدایت، ۱۳۴۲). این اثر محتوایی جغرافیایی، تاریخی و افسانه‌ای دارد (نک: هدایت، همان). اهمیت تاریخی این اثر چنان بوده که مورخانی چون طبری، بلعمی و مسعودی روایاتی از آن را ذکر کرده‌اند

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، نگرش‌ها و نگارش‌های تاریخی صادق هدایت (نویسندهٔ اول: قاسم زاده).  
۲۶۷

(نک: گودرزی، ۱۳۹۰: ۱۶؛ همو، ۱۳۹۲: ۲۴۳). هدایت در سال ۱۳۱۸ ش، برگردان فارسی معاصر کارنامهٔ اردشیر بابکان را با مقدمه و تعلیقاتی منتشر نمود (نک: هدایت، همان).

**۳-۱-۲-۷. آمدن شاه بهرام ورجاوند:** موضوع این متن کوتاه مربوط به آرزوی دیرینه زرتشتیان مبنی بر آمدن شاه بهرام ورجاوند است که در کتاب‌های دینی زرتشتی مکرر به آن اشاره شده است. هدایت برگردان این اثر را در ۱۳۲۴ هـ ش منتشر کرد (درباره بررسی بیشتر این اثر نک: آرین پور، ۱۳۷۴: ۳۶۱؛ اتحاد، ۱۳۷۸: ۲۰۶؛ کتیرایی، ۱۳۴۹: ۳۸۲).

**۳-۱-۲-۸. مقاله خط پهلوی و الفبای صوتی<sup>۱۳</sup>:** این مقاله اثری پژوهشی است که هدایت در آن به بررسی خط اوستایی و پهلوی و سیر تکامل آن‌ها در ایران باستان و مزایا و معایب هر یک از آن‌ها پرداخته است (هدایت، ۱۳۷۹).

### **۳-۱-۳. آثاری با محتوای ایران‌شناختی و مردم‌شناختی**

بخش دیگری از آثار صادق هدایت را مطالعات و پژوهش‌های وی دربارهٔ زبان و فرهنگ ایران تشکیل می‌دهد. هدایت علاقهٔ وافری به فرهنگ و زبان تودهٔ مردم داشت.

**۳-۱-۳-۱. اوسانه:** اوسانه رساله کوچکی شامل ترانه‌های کودکان، مادران، لالایی‌ها، ترانه‌هایی که هنگام بازی‌ها خوانده می‌شد، انواع بازی‌ها، رمزها و ترانه‌های مخصوص جشن‌ها، ضرب‌المثل‌ها و قصه‌های عامیانه است. این اثر که مؤلفه‌های آن ذیل تاریخ اجتماعی مناطق قرار می‌گیرد، برای نخستین بار در مجلهٔ آریان کوده در مهرماه سال ۱۳۱۰ هـ.ش منتشر شد. نویسنده این مجموعه را، به‌جای واژه افسانه، اوسانه نام نهاده است (هدایت، ۱۳۷۹: ۳۲۸، ۳۳۳).

**۳-۱-۳-۲. اصفهان نصف جهان:** صادق هدایت این اثر را پس از سفری به اصفهان نگاشت و در سال ۱۳۱۱ هـ. ش به کوشش کتابخانهٔ خاور، به‌صورت کتاب مستقل به چاپ رساند. این اثر تنها سفرنامه منتشر شده از وی است (هدایت، ۱۳۷۷: ۶۶) که در آن مشاهداتش از ابنیه تاریخی اصفهان را توصیف می‌کند و در خلال این توصیفات به فراخور حکایاتی

۲۶۸ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای/ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، نگرش‌ها و نگارش‌های تاریخی صادق هدایت (نویسندهٔ اول: قاسم زاده).

تاریخی را نیز نقل می‌کند. همچنین درباره وجه تسمیه مناطق و داستان‌هایی که حین دیدارش از ابنیهٔ تاریخی اصفهان روی داده و نیز از مردم‌شناسی و آداب‌ورسوم آن دیار سخن می‌راند (برای نمونه نک: هدایت، ۱۳۷۷: ۴-۹).

**۳-۱-۳-۳. نیرنگستان**<sup>۴</sup>: موضوع نیرنگستان عقاید، خرافات، آداب‌ورسوم و آیین‌های مذهبی عامهٔ مردم ایران، تشریفات، جشن‌ها و اعیاد، سفر، چله‌نشینی، ناخوشی، خواب، مرگ، پیشگویی، نوروز، هفت‌سین، چهارشنبه‌سوری، قاشق زنی و ... است. هدایت برای گردآوری این اثر چندین بار به نقاط مختلف ایران سفر کرد و ضمن آشنایی با شیوه زندگی مردم مناطق مختلف، زبان‌های محلی آنان را نیز فراگرفت. سپس بر روی آداب‌ورسوم مردم تهران و روستاهای اطراف آن متمرکز شد و با گردآوری اطلاعات جامع در این زمینه، روش علمی جمع‌آوری آثار و مواد فرهنگ‌عامه را مطرح کرد (نک: هدایت، ۱۳۱۲؛ برای بررسی بیشتر نیز نک: آرین پور، ۱۳۷۴: ۳۶۵-۳۶۶). این اثر در سال ۱۳۱۲ ش منتشر شد.

### **۳-۲. مؤلفه‌های تاریخ‌نگری صادق هدایت**

#### **۳-۲-۱. نگرش ملی‌گرایانه و ناسیونالیسم**

در این دوره، باستان‌گرایی با هدف زمینه‌سازی برای مدرنیزاسیون رضاشاهی از سوی حکومت پهلوی ترویج می‌شد (نک: هاشمی، ۱۳۹۵). همچنین، ملی‌گرایی به‌مثابه‌ی یک ایدئولوژی مورد توجه حاکمیت وقت بود. این نوع از آگاهی‌های ملی، اغلب حس وفاداری، شور و دل‌بستگی به عناصر تشکیل‌دهنده‌ی ملت از جمله تاریخ، نژاد، زبان، سنت‌ها، آداب‌ورسوم را به وجود می‌آورد و گاه موجب مبالغه و اعتقاد به برتری این مظاهر بر مظاهر دیگر ملت‌ها می‌شد (آشوری، ۱۳۸۷: ۳۱۹). دیگر ویژگی این نوع ملی‌گرایی، تهاجم به اقوام و نژادهای دیگر بود (همایون کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۶). با این حال، اندیشه‌های ملی‌گرایی اعتماد به نفس لازم برای روشنفکران و رجال سیاسی ایران را در برابر تمدن غرب و اروپا فراهم می‌کرد؛ به‌ویژه که با پژوهش‌های اروپاییان در مورد شکوه ایران باستان، خودباوری آنان دوچندان می‌

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، نگرش‌ها و نگارش‌های تاریخی صادق هدایت (نویسندهٔ اول: قاسم زاده).

۲۶۹

شد (انتخابی، ۱۳۸۷: ۳۶). عرب ستیزی، پرستش نژاد ایرانی، ضدیت با اسلام به‌مثابه‌ی یک دین غیر ایرانی، ستایش ایران باستان و ایران عصر ساسانی و آیین زرتشتی اصلی‌ترین ویژگی‌های ناسیونالیسم ایرانی در عصر مشروطه و پهلوی بود (آجودانی، ۱۳۷۱: ۴۷۵) و وجه بارزی از واقعیت‌گریزی و احساسی‌گری جریان روشنفکری غرب‌گرا در ایران را نشان می‌داد. در میان مکتب‌های سیاسی رایج در زمانه صادق هدایت، ناسیونالیسم بیشترین تأثیر را بر نگرش‌های تاریخی وی داشت. ناسیونالیسم، به‌عنوان شیوه‌ای از تفکر و جهان‌بینی، در دوره‌های مختلف تاریخ معاصر ایران از عصر ناصری به بعد یکی از شیوه‌های اندیشهٔ اجتماعی بوده و در کنار ایدئولوژی مذهب و سوسیالیسم، نقش اساسی در تحوّل تفکر سیاسی و ادبیات نوین ایران داشته است (بختیاری، ۱۳۹۲: ۱۰۵). ناسیونالیسم به خوبی بر اندیشه‌های رقیب مانند ایدئولوژی مذهبی یا اندیشهٔ اتحاد اسلامی و حتی گرایش‌های سوسیالیستی از نظر جذب مخاطب برتری داشت (آجودانی، ۱۳۷۱: ۴۷۳). میراث ناسیونالیسم عصر مشروطه‌خواهی، از مهم‌ترین عناصر تأثیرگذار بر اندیشه هدایت بود. از این رو، برای شناخت اندیشه هدایت باید ناسیونالیسم ایرانی به خوبی درک کرد (همان: ۴۷۴؛ برای اطلاعات بیشتر نک: همایون کاتوزیان، ۱۳۸۰: جاهای متعدد).

ناسیونالیسم این دوره در عرصه سیاست و فرهنگ نمود می‌یافت. این نوع از ملی‌گرایی در قالبی رمانتیک به گذشته واقعی و یا تخیلی ایران متوسل بود و بیشتر از هر چیز از ادبیات رمانتیک این دوره نیرو و الهام می‌گرفت. در واقع موتور محرک ناسیونالیسم سیاسی این دوره، ادبیات رمانتیک گذشته‌گرایی بود که از حیث بن‌مایه تا حدود زیادی تاریخی و در عین حال مملو از مجعولات و داستان‌سرایی بود که صورتی غربی نیز داشت و با پوششی نوستالژیک بر احساسات و عواطف ایرانی تأثیر می‌گذاشت. هدایت نیز از پرچم‌داران فکری این حوزه محسوب می‌شود (ذاکرافهانی، ۱۳۸۱: ۶۳).

گرایش هدایت به ملی‌گرایی در سفر وی به غرب نیز بر او تأثیر داشت و با تلفیق با غرب‌گرایی تجددطلبانه موجب تا وی در بازگشت به ایران آثاری مانند "پروین دختر ساسان"، "آخرین

۲۷۰ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای/ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، نگرش‌ها و نگارش‌های تاریخی صادق هدایت (نویسندهٔ اول: قاسم زاده).

لبخند" و "مازیار" را با درون‌مایه‌ی ناسیونالیسم به نگارش درآورد. محور تمامی این آثار اندیشه‌ای ایدئولوژیک، نژادگرایانه و البته ناامید و مأیوس است که تفسیر هدایت از ملی‌گرایی بر پایه‌ی آن استوار بود. آثار ناسیونالیستی هدایت زمانی نگاشته شد که ملی‌گرایی روشنفکران در کسوت ناسیونالیسم دولتی درآمده بود و در دهه‌های ۱۳۰۰ و ۱۳۱۰ ه.ش ایدئولوژی رسمی حکومت شده بود.<sup>۱۵</sup> در حکومت پهلوی اول ناسیونالیسم به‌مثابه‌ی یک ایدئولوژی پیشرو، آرزوی تحقق‌یافته‌ی روشنفکرانی بود که پریشانی پس از انقلاب مشروطه را دیده بودند (مسکوب، ۱۳۸۴: ۸). ویژگی‌های ناسیونالیسم حاکمیت: تجلیل از ایران باستان؛ انتقاد از اسلام و عرب؛ غربی شدن سریع جامعه‌ی ایران و وفاداری به شاه بود (همایون کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۱۳-۴). تفاوت ناسیونالیسم منعکس شده در آثار هدایت با ناسیونالیسم مورد حمایت حکومت پهلوی<sup>۱۶</sup> آن بود که ملی‌گرایی در آثار هدایت صرفاً در گذشته‌ها محصور بود و امیدی به آینده نداشت، ویژگی که موجب شد ناسیونالیسم هدایت را «ناسیونالیسم ناامید» بنامند (آجودانی، ۱۳۷۱: ۴۷۴). همچنین، ناسیونالیسم حکومتی بیشتر تابع الگوی آلمانی بود، حال‌آنکه روشنفکران همان نسل یعنی از دهه دوم حکومت رضاشاه از ناسیونالیسم فرانسوی الهام می‌گرفتند (نک: همان).

در نگرش تاریخی هدایت از دریچه ناسیونالیسم ویژگی‌هایی همچون ۱. تجلیل از ایران قبل از اسلام به‌ویژه ایران دوره ساسانی ۲. بیزاری از اعراب ۳. تقابل و رویارویی اسلام با ایران ۴. اهمیت به دین زرتشتی به‌عنوان یک دین ایرانی ۵. ترکیب شخصیت‌های داستانی تاریخی و تخیلی ۶. تغییر در رویدادهای تاریخی در خدمت داستان ۸. مظلوم‌نمایی نژاد ایرانی در جریان فتوحات اعراب در ایران با نگاه ابزاری به زن، دیده می‌شود. اوج دیدگاه ناسیونالیستی هدایت در نمایشنامه یا درام تاریخی "پروین دختر ساسان" و سپس درام تاریخی "مازیار" و نیز دو داستان کوتاه "سایه‌ی مغول" و "آخرین لبخند" تجلی می‌یابد. در مجموع، آنچه در ناسیونالیسم هدایت اهمیت داشت، صرفاً شیفتگی محض و رویکرد غمگانه او نسبت به عظمت گذشته باستانی و قداست عناصر فرهنگ ایران باستان بود. از نگاه ناسیونالیسم

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، نگرش‌ها و نگارش‌های تاریخی صادق هدایت (نویسندهٔ اول: قاسم زاده).  
۲۷۱

نامید هدایت، هرچه بود در گذشته بود و همهٔ آنچه را که ارزش داشت فقط در گذشته می‌شد دید (آجودانی، ۱۳۷۱: ۴۷۴).

### ۳-۲-۲. باستان‌گرایی و زرتشتی‌گری

بخشی از تألیفات صادق هدایت به تحقیقات و پژوهش‌هایی با محوریت تاریخ فرهنگ و زبان ایران باستان اختصاص دارد. وی در جریان اقامت در هند، زبان پهلوی را آموخت و تحت تعلیم زبان‌شناس معروف، بهرام گور انکلساریا، بر روی متون پهلوی کارکرد و در این رشته به حدی پیش رفت که مایهٔ اعجاب معلمش شد (آرین پور، ۱۳۷۴: ۳۶۰؛ ابراهیم پورداوود، ۱۳۲۴: ۴۱۹). هدایت، پس از بازگشت از هند، برخی از متون پهلوی را تصحیح و یا به زبان فارسی رایج برگردان کرد. از مقدمات هدایت بر این آثار چنین بر می‌آید که وی با دانش زبان‌شناسی معاصر آشنا بوده و از تحقیقات شرق‌شناسانی مانند بارتولومه، دارمستتر، مارکواریت، بنونسیت و مینورسکی بهره برده است. نکتهٔ مهم آنکه تلاش هدایت در این امر نه‌تنها برگردان صحیح عبارات پهلوی به زبان فارسی جدید، بلکه حتی‌المقدور حفظ سبک نگارش این یادگارهای عهد باستان بوده است (آرین پور، ۱۳۷۴: ۳۶۲؛ اتحاد، ۱۳۷۸: ۲۰۶). وی همچنین، در شرح مکان‌های جغرافیایی ذکر شده در «شهرستان‌های ایران» و «کارنامه اردشیر بابکان» به آثار جغرافی‌نگاران و مورخان دورهٔ اسلامی رجوع کرده است (نک: هدایت، ۱۳۴۲؛ همو، ۱۳۲۱).

از ایران باستان هدایت دو عنصر را بسیار مورد توجه دارد؛ یکی هنر و دیگری آیین زرتشت. هدایت شیفته هنر و معماری ایران باستان به ویژه ایران دوره ساسانی بود. در مقالهٔ هنر ساسانی در غرفهٔ مدال‌ها تألیف ال. مورگنسترن که توسط صادق هدایت به فارسی ترجمه شد، هنر ایران دوره ساسانی به‌عنوان هنری جهانی معرفی می‌شود و نویسنده ضمن توصیف این هنر در نقش ظروف، فرش‌ها، پارچه‌ها و لباس‌ها تأثیر آن را بر هنر غرب، چه در گذشته و چه در دورهٔ معاصر، بررسی می‌کند (هدایت، ۱۳۷۹: ۶۱۵-۶۲۴). هدایت می‌نویسد: «آنچه به نام صنعت هندی، مغول و عرب در اروپا معروف است همه ابداع و اختراع ایرانی



۲۷۲ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای/ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، نگرش‌ها و نگارش‌های تاریخی صادق هدایت (نویسندهٔ اول: قاسم زاده).

بوده...چنانکه امروزه هم معماری عرب تقلید مسخره‌آمیز معماری ایرانی است»(همان: ۹۰). واضح است که در این اظهارات نیز روحیه عرب / اسلام ستیزی هدایت به همراه برخی قضاوت‌های سطحی و ناآشنایی کافی با هنر و معماری اسلامی دیده می‌شود. از سوی دیگر داستان‌های هدایت از نظر تاریخی بیشتر در فضای ایران باستان روی می‌دهد و داستان‌های وی نمود اسطوره‌ها، باورها و رؤیاهای ایرانیان است که حاکی از پیوند نویسنده با تاریخ است.<sup>۱۷</sup>

توجه به آیین زرتشت که در نمایشنامه‌های پروین، آتش‌پرست، مازیار، آفرینگان و نیز ترجمه‌های پهلوی مانند گجسته ابالیس و گزارش گمان شکن به وضوح دیده می‌شود، تلاش دیگری از سوی هدایت گویی برای جبران خلأ دین و باورهای معنوی در شرایط حاصل از ستیز با اسلام. وابستگی روحی هدایت به آیین زرتشت چندان است که حتی در سایه مغول، یادگار جاماسب، زند و هومن یسن و آمدن شاه بهرام حتی به سراغ باورهای آخرالزمانی زرتشتیان می‌رود و بخشی از تاریخ ایران بعد از اسلام را سرنوشت محتوم تعبیر شده آنان می‌داند.

در دل‌بستگی به دین زرتشت، هدایت وجه خصومت با اسلام و اعراب را نشان می‌دهد. برای اسلام ستیزی شواهد بسیاری وجود دارد (برای نمونه نک: "البعثه الاسلامیه" بی تا: ۳۳)؛ در داستان «علویه خانم»<sup>۱۸</sup> هیچ تصویر مثبتی از اسلام به عنوان باور و دینی مورد احترام از سوی جامعه ایرانی ارائه نشده است (هدایت، ۱۳۴۲)، در داستان «بوف کور» بیزاری هدایت از اسلام کاملاً مشهود است (۱۳۸۱: ۴۰، ۶۳، ۷۴-۷۵). در داستان "آتش‌پرست"، فلاندن بیگانه هم در یک لحظه "ملیت" و "شخصیت" و "محیط" خود را فراموش می‌کند و جلوی «خاکستری که دود آبی فام از روی آن بلند می‌شد» زانو می‌زند و مظهر اهورا مزدا را می‌پرستد (هدایت، ۱۳۴۲: ۷۱-۷۲). در "آخرین لبخند" می‌نویسد: «برمکیان در ظاهر به اسلام گرویدند، ولی در باطن علاقه به کیش قدیم خود [بودائی] داشتند» (هدایت، ۱۳۳۱: ۹۶) و دربارهٔ روزبهان تصریح می‌کند که «بیشتر از لحاظ ذوقی و هنری متمایل به دین

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، نگرش‌ها و نگارش‌های تاریخی صادق هدایت (نویسندهٔ اول: قاسم زاده).  
۲۷۳

بودائی بوده و حتی خودش در اصول دین بودا دخل و تصرف کرده بود و رنگ و روی ایرانی به آن داده بود.» (همان: ۶۹). هدایت در همه آثارش اصالت را به دین زرتشت می‌دهد و حتی ادعا می‌کند که «نذرهای خونین، قربانی و تشریفات مربوط به آن... اثر فکر ملل سامی و عرب‌ها می‌باشد و در مذاهب آیین قربانی خونین سابقه ندارد.» (هدایت، ۱۳۱۲، نیرنگستان: ۱۹).

### ۳-۲-۳. رویکرد نژادگرایانه یا دشمنی با عناصر غیر ایرانی

بخشی از مهم‌ترین تلاش‌های هدایت معطوف به بازسازی وجهه‌ای از دشمن غیر ایرانی (رویکرد نژادی) در طول تاریخ و عامل دانستن این دشمن بازسازی شده در یأس تاریخی خود. در نگرش تاریخی هدایت، اعراب مهم‌ترین دشمنان ایران و با رویکرد تطبیق اسلام و عرب، اسلام نه به‌عنوان یک دین، بلکه به‌عنوان یک پدیده نژادی، این دشمن اصلی را شکل می‌دهد. در حالی که فلات ایران در طول تاریخ شاهد هجوم‌های آشوریان، یونانیان، اقوام بیابان‌های چین مانند مغولان و غزها بوده است، هدایت تنها حملات اعراب به ایران را مایه نابودی ایران می‌داند. شواهد نژادپرستانه توهین به قوم عرب و عرب ستیزی در مجموعه آثار هدایت بسیار است (برای نمونه نک: هدایت، ۱۳۸۵: ۷۵، ۷۷-۷۸). درام تاریخی «پروین دختر ساسان» نمونه کاملی از نگرش عرب ستیزی هدایت است (۱۳۰۹: ۴، ۱۷-۱۶، ۲۹، ۳۹، ۳۲). در سفرنامه اصفهان نصف جهان نیز نشانه‌هایی از این دشمنی دیده می‌شود (۱۳۱۱: ۲۸). در داستان «سایه‌ی مغول» با آنکه محوریت داستان با اقوام مهاجم مغول است، اما وی باز هم به فراخور بحث با ابراز تنفر به دشمنی با عرب می‌پردازد (۱۳۱۰: ۴۷).

آجودانی معتقد است ملی‌گرایی هدایت حول محور خون، نژاد و برتری نژاد آریایی ایرانی می‌چرخد (۱۳۷۱: ۴۸۰-۴۸۱)؛ بنابراین، دیدگاه‌های ضد عرب و ضد اسلام هدایت زیرمجموعه‌ی تعصبی فراگیرتر یعنی ضدیت با نژاد سامی قرار می‌گیرد. هدایت در پرتو دیدگاه‌های نژادپرستانه غربی رایج در زمانه خود معتقد است، دو نژاد کاملاً متفاوت یعنی آریایی و سامی وجود دارد که آریایی‌ها برتر از دیگری‌اند (جویا بلوندل سعد، ۱۳۸۲: ۶۲).

۲۷۴ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای/ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، نگرش‌ها و نگارش‌های تاریخی صادق هدایت (نویسندهٔ اول: قاسم زاده).

در مقدمه داستان "مازیار" از «برتری نژادی و فکری» ایرانیان بر عرب‌ها سخن به میان می‌آید؛ از «خون مردم طبرستان» سخن گفته می‌شود که «در نتیجه‌ی آمیزش با عرب... فاسد شده بود» (هدایت، ۱۳۱۲: ۱۰-۱۱). در جای دیگر از زبان مازیار تصریح می‌شود که: «اصلاً نژاد این مردم از اختلاط و آمیزش با عرب‌ها فاسد شده» (همان: ۳۰).

هدایت در انتزاع عناصر غیر ایرانی از عناصر ایرانی تا جایی پیش می‌رود که از اقوام آریائی غیر پارسی نژاد، مثل پارت‌ها را نیز به‌عنوان ملل بیگانه و غیر ایرانی قلمداد کرده است (مقدمه نیرنگستان، ۱۳۱۲: ۱۶). وی یهودیان و دین یهود را بر دشمنان دیرینهٔ ایران می‌افزاید و آنان را همچون اعراب از نژاد سامی و دینشان را نیز همچون اسلام از ادیان سامی محسوب می‌کند. در "مازیار" هدایت با نگاهی نژاد پرستانه از اعراب مسلمان با عنوان جهودان یاد می‌کند و می‌نویسد: آذین سردار بابک می‌گفت: «من از دست جهودان [یعنی مسلمانان] به قلعه پناه نخواهم برد» و باز در ادامهٔ یادداشت مینوی به نقل از طبری می‌خوانیم که وقتی پسر سنباد بابک را به خیانت تسلیم عرب کرد، بابک به او روی کرد و گفت: «مرا ارزان به جهودان فروختی» (هدایت، ۱۳۴۲: ۱۱۹). در متن نمایشنامه نیز در چندین مورد و از زبان مازیار می‌نویسد: «باهم عهد کرده بودیم که بابک کیش زردشتی را به نام خرم دین تجدید بکند و من و افشین هم به‌زور شمشیر با او کمک بکنیم و ایران را دوباره از زیر تاخت و تاز عرب‌ها و جهودان بیرون بیاوریم» (هدایت، همان: ۱۰۰) و «نقشه‌ی من همین بود که این جهودها و این مسلمانان را از بین ببرم. هرکس به‌جای من بود آن‌ها را کشته بود» (نک: هدایت، همان: ۸۴).

با وجود نژادگرایی ایرانی، هدایت به رغم همه تلاش‌ها برای بیان شکوه ایران دوره باستان و دفاع از دین زرتشت، توجهی اندک به دست‌آوردهای تاریخی ایران باستان دارد و تنها اندوه و تلخی ناشی از شکست تاریخی ایرانیان از اعراب را ابراز می‌دارد. به گفته محققان، هدایت بیش‌تر به زخم‌های ناشی از مهاجمان می‌پردازد و کم‌تر از فتوحات و افتخارات پارسیان و نقش فرهنگی آن‌ها سخن می‌گوید (Yarshater, Ehsan, 1979: 7-14).

### ۳-۲-۴. نگرش خیامی به تاریخ

به نظر می‌رسد که هدایت برای جبران خلأ ناشی از نبود باور دینی اسلامی که زمینه اجتماعی و خانوادگی پرورش او بود، افزون بر گرایش تاریخی به آیین زرتشت، به سراغ برخی باورهای فلسفی در تاریخ رفته باشد. اندیشه‌های خیامی یکی از این باورهای فلسفی است. هدایت در آثارش نگاهی مأیوس و ناامید به تاریخ گذشته و شرایط آینده ایران دارد. وی در همین راستا افکار و اندیشه‌های خیام را با تازه‌ترین تحولات اجتماعی، تاریخی، علمی و فرهنگی قرن بیستم درآمیخته و در موارد متعددی در آثارش مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است (قربانی، ۱۳۷۲: ۱۲۹-۱۳۰). او به ترانه‌های خیام نیز پرداخته و اثری به نام خیام صادق<sup>۱۹</sup>. با این کوشش‌ها، می‌توان هدایت را از اولین بنیان‌گذاران خیام‌شناسی معاصر در ایران دانست (نک: کتیرایی، ۱۳۴۹: ۲۷-۲۸).

وصف خیام از سوی هدایت، توصیفی از نگاه فلسفی مورد علاقه اوست، هرچند این نگاه، تضمین‌گری تاریخی برای برداشت‌های ناامیدانه فردی در هدایت بوده باشد<sup>۲۰</sup>. برداشت‌های ملی‌گرایانه هدایت از خیام ناشی از این است که هدایت وی را منتسب به شورش روح آریایی علیه اعتقادات سامی نموده است (قربانی، ۱۳۷۲: ۱۲۹-۱۳۰). هدایت خیام را ضد عرب، ضد ادیان و فرهنگ سامی و شیفتهٔ ایران و فرهنگ ایرانی می‌دانست و معتقد بود: «یک میل و رغبت یا سمپاتی و تأسف گذشته‌ی ایران در خیام باقی است.» (هدایت، ۱۳۸۸: ۳۹)؛ از همین رو، وی با اندیشه‌های خیام انس و الفتی خاص داشت و بیشتر از هر متفکر ایرانی با خیام هم‌افق بود. مرگ‌اندیشی خیامی هدایت، تضمینی فلسفی برای مرگ‌اندیشی تاریخی هدایت است که در آن سرانجام تاریکی برای تاریخ ایران مطلوب خویش در نظر می‌گیرد. فلسفه مادی خیامی همواره با بدبینی و شکاک بودن و لحنی محزون، به نوعی وجه نظری تلقی هدایت از رویدادهای تاریخی است (هدایت، ۱۳۸۸: ۱۶)؛ به عبارت دیگر، تلاش هدایت برای پناه بردن از دردها، اضطراب‌ها، ترس‌ها، امیدها و یأس‌های انسان به خیام و با تصریح او، تلاشی است عقلانی برای خلأهای دینی و فلسفی (همان: ۳۷۹).

۲۷۶ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای/ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، نگرش‌ها و نگرش‌های تاریخی صادق هدایت (نویسندهٔ اول: قاسم زاده).

افزون بر نگاهی محتوایی، باید به این موضوع توجه داشت که پژوهش هدایت بر روی رباعیات خیام و زمینه تاریخی زندگی و حیات خیام، از جمله پژوهش‌های محدود وی درباره شخصیت‌های تاریخی و تاریخ ادبیات است.

#### ۴. نتیجه

پژوهش حاضر با بررسی نگرش‌ها و نگرش‌های تاریخی صادق هدایت، دسته‌بندی و تحلیل این آثار، در راستای پاسخ‌گویی به چند پرسش مطرح شده در ابتدای تحقیق به نگرش درآمد؛ با عنایت به آنچه مطرح شد، به‌عنوان پاسخ و نتیجهٔ نهایی در رابطه با این پرسش‌ها می‌توان چنین بیان نمود. زمانه تاریخی پرورش هدایت، یعنی دورانی از تجدد غرب‌گرایانه در میان برخی نخبگان جامعه ایرانی و هم‌زمانی آن با سیاست‌های ابلاغی پهلوی اول در عرصه فرهنگ، عمیقاً از فضای عصر خود تأثیرپذیر بوده است؛ بدین ترتیب که گروه‌ها به تمدن غرب در اندیشه او نهادینه است و او می‌کوشد تا راهبرد پیشرفت ایران را گریز از تاریخ و فرهنگ دوران اسلامی خود بداند. از سوی دیگر، ناسیونالیسم ایرانی که در دوران پهلوی اول حتی ابلاغی در سیاست‌های فرهنگی کشور تعمیم داده می‌شد، خصلت اصلی اندیشه هدایت است. برای رسیدن به بازتولید این ناسیونالیسم ایرانی، هدایت هرچند از نظر فردی ناامیدانه به زندگی نگاه می‌کند، اما تلاش‌های وی می‌تواند دستگاه تبلیغی فعالی از ارائه تاریخ در سطوح مختلف جامعه، به ویژه جریان‌های روشنفکری ایجاد کند. درحالی که اصلی‌ترین نگرش تاریخی هدایت، باشکوه دیدن ایران باستان، به ویژه ایران دوران ساسانی است، او این نگرش را در قالب نمایشنامه‌ها با رویکردی غمگانه و تکرار ناشدنی ارائه می‌دهد. این رویکرد، حس انزجار و سرخوردگی عجیبی نسبت به فرهنگ و تمدن ایران دوران اسلامی حاصل می‌آورد که به سبب انتزاعی و گاه در تضاد بودن با حیات زنده و شکوفای فرهنگ و تمدن ایران دوران اسلامی ممکن است هر مخاطبی را نسبت به واقع‌گرایانه بودند دیدگاه‌های هدایت مردد سازد.

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، نگرش‌ها و نگارش  
های تاریخی صادق هدایت (نویسندهٔ اول: قاسم زاده).  
۲۷۷

وجه دیگری از تلاش‌های تاریخی هدایت، در بازتولید گروهی تاریخ بنیان و ملی‌گرایانه (نه باورمندانه و دینی) نسبت به آیین زرتشت است که حتی تا تأثیرپذیری از اندیشه‌های آخرالزمانی این آیین پیش می‌رود. پژوهش‌های زبان‌شناسانه، مردم‌شناسانه و تاریخ ادبیات از سوی هدایت نیز از تلاش‌های وی برای بازتولید هویت باستانی ایرانیان، ضدیت با فرهنگ و تمدن ایران اسلامی و احیای نگرشی تاریخی به آیین زرتشت دور نیست. به واسطه قرار داشتن در دایره‌ای از نگرش‌های انتزاعی، تنفرمحور و ایدئولوژیک‌مآبانه در آثار هدایت، ضعف‌هایی چون برداشت‌های سطحی از پژوهش‌های تاریخی و کم‌رنگ بودن ارزش تاریخی استنادات وی (به استثناء بحث‌های زبان‌شناسانه او) در آثار هدایت به چشم می‌خورد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. بنگرید به <https://cgie.org.ir/fa/news/140737>.
۲. حسین کاظم‌زاده (۱۲۶۲ در تبریز - ۱۳۴۰ در سوئیس) معروف به ایرانشهر از نویسندگان ایرانی که شهرت وی به «ایرانشهر»، به دلیل انتشار مجله‌ای به همین نام بین سال‌های ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۶ ه.ش است. وی مدتی دیپلمات سفارت ایران در لندن بود (بیگدلو، ۱۳۸۰: ۱۸۶).
۳. یوزف مارکوآرت (به آلمانی: Joseph Marquart یا Joseph Markwart) (۱۸۶۴ - ۱۹۳۰) خاورشناس آلمانی.
۴. جیمز دارمستتر (به فرانسوی: James Darmesteter) (۱۸۴۹ - ۱۸۹۴) پژوهشگر و باستان‌شناس فرانسوی.
۵. آرتور امانوئل کریستنسن (به دانمارکی: Arthur Emanuel Christensen) (۱۸۷۵ - ۱۹۴۵) ایران‌شناس و خاورشناس.
۶. به نوشته طبری: «فیینما نعیم فی مدینه همذان فی توطنتها فی اثنی عشر ألفا من الجند تکاتب الدیلم و اهل الری و اهل اذریجان» (بی‌تا: ۱۴۸/۴).

۲۷۸ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای/ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، نگرش‌ها و نگارش‌های تاریخی صادق هدایت (نویسندهٔ اول: قاسم زاده).

۷. مجموعه داستانی «زنده‌به‌گور» کتابی شامل ۸ داستان کوتاه (زنده‌بگور، حاجی مراد، اسیر فرانسوی، داود گوژپشت، مادلن، آتش پرست، آبجی خانم، مرده‌خورها و آب زندگی) می‌باشد که در سال ۱۳۰۹ ه.ش در تهران، توسط کتابخانه فردوسی، منتشر شده است.

۸. نام اصلی: علی شیرازپور پرتو.

۹. شین پرتو داستانی درباره‌ی فتح ایران توسط اسکندر نوشته و بزرگ علوی درباره حمله اعراب به ایران نگاشته است (نک: ش. پرتو، بزرگ علوی، صادق هدایت: ۱۳۱۰، انیران).

۱۰. آفرینگان و آخرین لبخند دو داستان از مجموعه داستانی سایه روشن (شامل هفت داستان کوتاه) در سال ۱۳۱۲ ه.ش منتشر شده است.

۱۱. ابالیس هفت ایراد به دین زرتشت می‌گیرد و آذرفرنبغ او را با پاسخ‌های خویش قانع می‌کند و ابالیس شرمسار از دربار مأمون رانده می‌شود (هدایت، ۱۳۷۹: ۳۷۰).

۱۲. «کارنامه» در لغت به معنی «نامهٔ جنگ» است و در نگاه نخست به نظر می‌رسد صرفاً شرح نبردهای اردشیر بابکان، بنیادگذار سلسلهٔ ساسانی (حدود ۲۱۶ تا ۲۲۴ م.) باشد، اما این اثر در حقیقت نوعی رمان تاریخی است (تفضلی، ۱۳۷۸: ۲۶۰). در این اثر چگونگی به پادشاهی رسیدن اردشیر بابکان (۲۲۴-۲۴۱ م.)، جنگ‌های وی، احداث شهرها بیان شده است. داستان به اواخر دوران اشکانی و نبردهای اردشیر با اردوان پنجم (۲۱۳-۲۲۴ م.)، آخرین پادشاه اشکانی و استناداران او مخصوصاً در جنوب ایران و در محدودهٔ فارس کهن پرداخته است. در پایان کتاب مطالبی هم دربارهٔ شاپور اول (۲۴۰-۲۷۰ م.) و همچنین فرزند او، اورمزد معروف به هرمز اول (۲۷۰-۲۷۱ م.) دارد (نک: هدایت، ۱۳۴۲).

۱۳. هدایت این مقاله را هنگامی تألیف کرد که بار دیگر بحث بر سر اصلاح خط فارسی (الفبای عربی) در مطبوعات و مجامع ادبی ایران درگرفته بود. هدایت با چاپ این مقاله چنین نتیجه گرفته بود که الفبای کنونی فارسی باید بی‌تردید و تأمل به خط لاتینی تبدیل شود و الفبای جدید بر پایه و اساس آواشناسی (فونتیک) انتخاب و استوار گردد که البته کوشش‌های طرفداران تغییر خط به نتیجه نرسید (آرین پور، ۱۳۷۴: ۳۶۳؛ کمیسروف، ۱۳۸۰: ۳۱۱).

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، نگرش‌ها و نگارش‌های تاریخی صادق هدایت (نویسندهٔ اول: قاسم زاده).  
۲۷۹

۱۴. در بین کتاب‌های دینی زرتشتیان کتابی به همین نام موجود است که تألیف آن به دورهٔ ساسانیان بازمی‌گردد و دربارهٔ آیین‌های دینی و فرهنگ اعتقادی ایرانیان پیش از اسلام نوشته شده است؛ از این رو، هدایت نیز این نام را برای مجموعهٔ خود انتخاب کرده است (هدایت، ۱۳۱۲: ۹، ۱۲).

۱۵. ظاهراً دیگر مکتب‌های سیاسی رایج در زمانه هدایت تأثیر چندانی در نگرش‌های تاریخی وی نداشته است. هدایت به‌رغم اینکه با نویسندگان توده‌ای همراهی می‌کرد و حتی جلسات گروهی از آنان، مدتی در خانه‌ی پدری وی تشکیل می‌شد، به عضویت حزب توده درنیامد؛ زیرا اول اینکه یک فرد سیاسی جدی نبود و دوم خلق و خوی او به علت شیوه‌ی تک روانه بانظم تشکیلاتی حزب ناسازگار بود (همایون کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۲۰۴).

۱۶. در دورهٔ پهلوی تحت تأثیر اوضاع داخلی ایران، خصوصاً جلوه کردن تمایلات ناسیونالیستی از اواخر قاجار، سیاست‌های حکومت پهلوی برای کسب مشروعیت از این طریق و همچنین افزایش تمایلات ناسیونالیستی در جهان، به‌ویژه در شکل هیتلری آن، نوعی ناسیونالیسم باستان‌گرا غالب گشته بود که تعدادی از نوشته‌های نویسندگان این عصر را تحت تأثیر قرار داده و از طرف حاکمیت حمایت می‌شد. این نوع از ناسیونالیسم که شکل غالب ناسیونالیسم دورهٔ پهلوی بود و یک جریان تاریخ‌نگاری ناسیونالیستی را موجب شده بود (بختیاری، ۱۳۹۲: ۱۰۶).

۱۷. بنا بر برخی دیدگاه‌ها «اسطوره» تاریخ نخستین ملتی است با هویت ملی و اصیل خود (بهار، ۱۳۷۳: ۱۹۶). از دریچه‌ای دیگر، «اسطوره، بازتاب نمادین ارزش‌های جمعی یک ملت و بیان مشترک و بیش‌تر غریزی واقعیت است» (گورین، ۱۳۷۰: ۳۲۵).

۱۸. علویه خانم عنوان داستانی که هدایت در سال ۱۳۱۱ ه.ش منتشر کرد.

۱۹. کتاب خیام صادق کتابی مشتمل بر مجموعهٔ آثار صادق هدایت دربارهٔ خیام که با مقدمه جهانگیر هدایت گردآوری و منتشر شده است. در این کتاب رباعیاتی از خیام در مورد فلسفه و نحوهٔ تفکر خیام آورده شده است (نک: خیام صادق، ۱۳۸۲).

۲۰. هدایت دارای دو حالت روحی متضاد بود، وی گاه شاد و پرجوش و خروش و طنزگو بود، فردای آن روز، تلخ و عبوس و مأیوس و در خود فرورفته که نه باکسی حرف می‌زد و نه جواب کسی را می‌داد (طلوعی، ۱۳۷۸: ۲۲۷؛ عطایی راد و قیامی میرحسینی، ۱۳۸۰: ۵۳). هدایت در سال‌های آخر عمرش دچار حالت بیمارگونه‌ای شده بود و تصور می‌کرد همه علیه او توطئه کرده‌اند، همه ره‌ایش



۲۸۰ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، نگرش‌ها و نگارش‌های تاریخی صادق هدایت (نویسنده اول: قاسم زاده).

کرده‌اند، همه با او دشمنی دارند. در آن روزها به همه و از جمله نزدیک‌ترین دوستانش ناسزا می‌گفت (طلوعی، ۱۳۷۸: ۲۲۴).

## کتاب‌نامه

- آجودانی، ماشالله (۱۳۷۱). «هدایت و ناسیونالیسم»، *ایران نامه*، س ۱۰، صص ۵۰۳-۴۷۳.
- آذر فرنیغ فرخزادان (۱۳۷۶). *ماتیگان گجستک/بالیس*، ترجمه ابراهیم میرزای ناظر، تهران: نشر هیرمند.
- آرین‌پور، یحیی (۱۳۷۴). *از نیما تا روزگار ما (تاریخ ادب فارسی معاصر)*، تهران: زوار.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۷). *دانشنامه‌ی سیاسی*، تهران: مروارید.
- اتحاد، هوشنگ (۱۳۷۸). *پژوهشگران معاصر ایران*، تهران: فرهنگ معاصر.
- اسحاق‌پور، یوسف (۱۳۷۳). *بر مزار صادق هدایت*، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر باغ آینه.
- انتخابی، نادر (۱۳۸۷). *ایرانیان و اندیشه ناسیونالیسم، ایران و مدرنیته*، گردآوری رامین جهانگللو، تهران: قطره.
- بختیاری، محمد (۱۳۹۲). *تاریخ نگری و تاریخ نگاری دکتر عبدالحسین زرین کوب*، تهران: امیرکبیر.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۳). *جستاری چند در فرهنگ ایران*، تهران: فکر روز.
- بهارلو، محمد (۱۳۷۴). *نامه‌های صادق هدایت*، چاپ اول، تهران: نشر اوجا.
- بیگللو، رضا (۱۳۸۰). *باستان‌گرایی در تاریخ معاصر ایران*، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- پوردوود، ابراهیم (۱۳۲۴). «بهرام گور انکلساریا»، *مجله سخن*، س ۱۲ ش ۶، صص ۴۱۷-۴۱۹.
- پیگولوسکایا، ن (۱۳۷۷). *شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان*، ترجمه عنایت الله رضا، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- تفضلی، احمد (۱۳۷۸). *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، به کوشش ژاله آموزگار، تهران: سخن.
- جتی عطائی، ابوالقاسم (۱۳۵۷). *زندگی و آثار صادق هدایت*، تهران: مجید.
- جویا بلوندل، سعد (۱۳۸۲). *عرب ستیزی در ادبیات معاصر ایران*، ترجمه فرناز حائری، تهران: نشر کارنگ.

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، نگرش‌ها و نگارش  
های تاریخی صادق هدایت (نویسندهٔ اول: قاسم زاده). ۲۸۱

حلقه نقد (۱۳۸۵). «مجموعه داستان «زنده به گور» نوشته صادق هدایت»، نشریه ادبیات داستانی، ش  
۱۰۱، صص ۶۰ تا ۷۳.

دستغیب، عبدالعلی (۱۳۵۷). نقد آثار صادق هدایت، تهران: سپهر.

ده پهلوان، مصطفی (۱۳۹۵). زاره، دانشنامه جهان اسلام، ج ۲۱، تهران: بنیاد دایره المعارف بزرگ  
اسلامی.

دهباشی، علی (۱۳۸۰). یاد صادق هدایت، تهران: نشر ثالث.

ذاکر اصفهانی، علی رضا (۱۳۸۱). «ناسیونالیسم رمانتیک» در افکار و آثار صادق هدایت، کتاب نقد،  
س ۷، شماره ۲۲ (۲۴ صفحه - از ۴۳ تا ۶۶).

راشد محصل، محمدتقی (۱۳۸۵). زند بهمن یسن، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سپانلو، محمدعلی (۱۳۸۷). نویسندگان پیشرو ایران: از مشروطیت تا ۱۳۵۰، تهران: نگاه.

ش پرتو، علوی، بزرگ، هدایت، صادق (۱۳۱۰). انیران، چاپ اول، تهران: امیرکبیر.

طایفی اردبیلی، موسی الرضا (۱۳۷۲). صادق هدایت در آینه آثارش، تهران: ایمان.

طبری، محمد بن جریر (بی تا). تاریخ طبری، محقق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت - لبنان: ناشر:  
[بی نا].

طلوعی، محمود (۱۳۷۸). نابغه یا دیوانه؟! ناگفته‌های دربارهٔ صادق هدایت، تهران: علم.

عطایی راد، حسین، قیامی میرحسینی، سید جلال (۱۳۸۰). مرد اثیری، تهران: روزگار.

غفاری توران، محبوبه (۱۳۸۸). بررسی دیدگاه سیاسی و اجتماعی هدایت در آثارش، پایان‌نامه  
کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران.

قربانی، محمد رضا (۱۳۷۲). نقد و تفسیر آثار صادق هدایت، تهران: نشر ژرف.

کتیرایی، محمود (۱۳۴۹). کتاب صادق هدایت، تهران: اشرفی و فرزین.

کمیسروف، د.س. (۱۳۸۰). دربارهٔ زندگی و آثار صادق هدایت، ترجمهٔ حسن قائمیان، کتاب یاد  
صادق هدایت، به کوشش علی دهباشی، تهران: نشر ثالث.

گودرزی، سیمین‌دخت (۱۳۸۹). بررسی و نقد ترجمه‌های صادق هدایت از متون پهلوی بر پایه دو

کتاب زند و هومن یسن و کارنامه اردشیر بابکان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی ابوالقاسم  
اسماعیل پور.

۲۸۲ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، نگرش‌ها و نگرش‌های تاریخی صادق هدایت (نویسنده اول: قاسم زاده).

گودرزی، سیمین‌دخت (۱۳۹۰). «صادق هدایت و ایران شناسی»، کتاب ماه ادبیات، ش ۵۵، صص ۱۱-۱۹.

گودرزی، سیمین‌دخت (۱۳۹۲). «نقد و بررسی تطبیقی ترجمه‌های کارنامه اردشیر بر پایه ترجمه صادق هدایت»، مطالعات ایرانی، س ۱۲، ش ۲۴، صص ۲۳۹-۲۶۳.

گورین، ویلفرد (۱۳۷۰). راهنمای رویکردهای نقد ادبی، ترجمه زهرا میهن خواه، تهران: اطلاعات. میرعابدینی، حسن (۱۳۸۰). «صادق هدایت در جایگاه منتقد ادبی»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، س ۴، ش ۱۰ و ۱۱، صص ۳۴-۴۱.

مینوی، مجتبی و هدایت، صادق (۱۳۱۲). «مطبوعات داخله: مازیار (۱-تاریخ زندگانی و اعمال او ۲-درام تاریخی در سه پرده)»، مجله مهر: سال اول، ش ۹.

مینوی، مجتبی و هدایت، صادق (۱۳۴۲). مازیار (۱-تاریخ زندگانی و اعمال او ۲-یک درام تاریخی در سه پرده)، تهران: امیرکبیر.

هاشمی، محمد (۱۳۹۵). «مطالعه‌ای بر درام تاریخی صادق هدایت»، <https://cgie.org.ir/fa/news/140737>

هدایت، جهانگیر (۱۳۸۷). «نصف جهان هدایت»، فردوسی، ش ۶۷ و ۶۸، صص ۵۷-۶۳.

هدایت، صادق (۱۳۰۹). پروین دختر ساسان، چاپ اول، تهران: کتابخانه فردوسی.

هدایت، صادق (۱۳۱۱). اصفهان نصف جهان، تهران: کتابخانه خاور.

هدایت، صادق (۱۳۱۲). نیرنگستان، تهران: دانش.

هدایت، صادق (۱۳۲۱). «شهرستانهای ایران»، مجله مهر، س ۷، ش اول، صص ۴۷-۵۵.

هدایت، صادق (۱۳۲۲). گزارش گمان شکن، چاپ اول، تهران: انتشارات جاویدان.

هدایت، صادق (۱۳۳۱). مجموعه داستان سایه روشن، تهران: چاپ سینا.

هدایت، صادق (۱۳۴۲). زند و هومن یسن و کارنامه اردشیر بابکان، تهران: امیرکبیر.

هدایت، صادق (۱۳۴۲). علویه خانم و ولنگاری، تهران: امیرکبیر.

هدایت، صادق (۱۳۴۲). فواید گیاه خواری، تهران: امیرکبیر.

هدایت، صادق (۱۳۴۲). مجموعه داستان زنده بگور، تهران: امیرکبیر.

هدایت، صادق (۱۳۴۲). مجموعه داستان سگ ولگرد، تهران: امیرکبیر.

دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، نگرش‌ها و نگارش‌های تاریخی صادق هدایت (نویسندهٔ اول: قاسم زاده). ۲۸۳

هدایت، صادق (۱۳۷۷). *اصفهان نصف جهان*، با مقدمهٔ محمد بهارلو، تهران: نشر قطره.  
هدایت، صادق (۱۳۷۹). *نوشته‌های پراکندهٔ صادق هدایت*، به کوشش حسن قائمیان، چاپ اول، تهران: نشر ثالث.

هدایت، صادق (۱۳۸۱). *بوف کور*، تهران: جاویدان.  
هدایت، صادق (۱۳۸۲). *خیام صادق: مجموعه آثار صادق هدایت دربارهٔ خیام*، مقدمه و گردآورنده جهانگیر هدایت، تهران: نشر چشمه.

هدایت، صادق (۱۳۸۵). *سه قطره خون*، تهران: جامه داران.  
هدایت، صادق (۱۳۸۸). *ترانه‌های خیام*، به کوشش رنوا راسخ، تهران: نشر تدبیر.  
هدایت، صادق (بی‌تا)، *البعثه الاسلامیه الی البلاد الافرنجیه*، بدون محل و ناشر.  
هشترودی، محسن (۱۳۴۲). «خیام ریاضیدان شاعر یا شاعر ریاضیدان»، *مجله دانشکده ادبیات*، س ۱۰، ش ۳، صص ۳۰۳-۳۱۰.

همایون کاتوزیان، محمد علی، (۱۳۷۲). *صادق هدایت از افسانه تا واقعیت*، ترجمهٔ فیروزه مهاجر، تهران: طرح نو.

همایون کاتوزیان، محمد علی (۱۳۸۰). *دولت و جامعه در ایران: انقراض قاجار و استقرار پهلوی*، ترجمه حسن افشار، تهران: نشر مرکز.

هیلمن، مایکل (۱۳۷۱). «سال‌شمار زندگی صادق هدایت»، *مجله ایران نامه*، شماره ۳۹، صص ۴۱۴-۴۱۵.

Yarshater, Ehsan (1979). *Sadeq Hedayat: An Anthology* (ed.). New York, Bibliotheca Persica.

#### References:

- Ajoudani, Mashallah (1371). "Guidance and Nationalism", *Irannamēh*, p. 10, pp. 503-473. [In Persian]  
Azar Farnbagh Farrokhzadan (1376). *Matikan Gajstak Abalish*, translated by Ebrahim Mirzai Nazer, Tehran: Helmand Publishing.  
Arinpour, Yahya (1374). *From Nima to our time (History of Contemporary Persian Literature)*, Tehran: Zavar. [In Persian]  
Ashouri, Dariush (1387). *Political Encyclopedia*, Tehran: Morvarid.

۲۸۴ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، نگرش‌ها و نگارش‌های تاریخی صادق هدایت (نویسنده اول: قاسم زاده).

- Ittihad, Houshang (1378). *Contemporary Iranian Researchers*, Tehran: Contemporary Culture. [In Persian]
- Ishaqpour, Yousef (1373). *On the tomb of Sadegh Hedayat*, translated by Baqer Parham, Tehran: Bagh-e Ayeneh Publishing. [In Persian]
- Elective, Nader (1387). *Iranians and the Thought of Nationalism*, Iran and Modernity, compiled by Ramin Jahanbegloo, Tehran: Qatreh. [In Persian]
- Bakhtiari, Mohammad (1392). *Historiography and historiography of Dr. Abdolhossein Zarrinkoob*, Tehran: Amirkabir. [In Persian]
- Bahar, Mehrdad (1373). *A few essays on Iranian culture*, Tehran: Fekr Rooz. [In Persian]
- Baharloo, Mohammad (1374). *Letters of Sadegh Hedayat*, First Edition, Tehran: Oja Publishing. [In Persian]
- Bigdelo, Reza (1380). *Archeology in the Contemporary History of Iran*, First Edition, Tehran: Markaz Publishing. [In Persian]
- Pourdawood, Ebrahim (1324). "Bahram Gore Enkelsaria", Sokhan Magazine, Q12, 6, pp. 417-419. [In Persian]
- Pygulovskaya, N. (1377). *Cities of Iran in the Parthian and Sassanid eras*, translated by Enayatollah Reza, Tehran: Scientific and cultural publication. [In Persian]
- Tafzali, Ahmad (1378). *History of Pre-Islamic Iranian Literature*, by Jaleh Amoozgar, Tehran: Sokhan. [In Persian]
- Jannati Ataiee, Abolghasem (1357). *Life and works of Sadegh Hedayat*, Tehran: Majid. [In Persian]
- Joya Blondel, Saad (1382). *Anti-Arabism in Contemporary Iranian Literature*, translated by Farnaz Haeri, Tehran: Karang Publishing. [In Persian]
- Critical Circle (1385). "The collection of stories" *Alive to the Grave "written by Sadegh Hedayat"*, Journal of Fiction, Vol. 101, pp. 60-73.
- Dastgheib, Abdul Ali (1357). *Critique of Sadegh Hedayat's works*, Tehran: Sepehr. [In Persian]
- Deh Pahlavan, Mustafa (1395). *Zareh, Encyclopedia of the Islamic World*, Vol. 21, Tehran: The Great Islamic Encyclopedia Foundation.
- Dehbashi, Ali (1380). *Yade Sadegh Hedayat*, Tehran: Third Edition. [In Persian]

- Zakir Isfahani, Ali Reza (1381). "*Romantic Nationalism*" in the *Thoughts and Works of Sadegh Hedayat*, Critique Book, Q7, No. 22 (24 pages - from 43 to 66). [In Persian]
- Rashed Mohassel, Mohammad Taghi (1385). *Zand Bahman Yasen*, Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
- Spanloo, Mohammad Ali (2008). *Leading Iranian Writers: From Constitutionalism to 1350*, Tehran: Negah. [In Persian]
- Sh. Perto, Alavi, Bozorg, Hedayat, Sadegh (1310). *Iran*, first edition, Tehran: Amirkabir. [In Persian]
- Ardebili tribe, Musa Reza (1372). *Sadegh Hedayat in the Mirror of His Works*, Tehran: Iman. [In Persian]
- Tabari, Muhammad ibn Jarir (Bitā). *Tarikh Tabari*, Mohaqeq Mohammad Abolfazl Ibrahim, Beirut - Lebanon: Publisher: [Bina]. [In Persian]
- Toloui, Mahmoud (1378). *Genius or crazy ?! Untold Stories about Sadegh Hedayat*, Tehran: Alam. [In Persian]
- Atai Rad, Hossein, Qiyami Mir Hosseini, Seyed Jalal (2001). *Ethereal Man*, Tehran: Roozgar. [In Persian]
- Ghaffari Turan, Mahboubeh (1388). *A Study of Hedayat's Political and Social Perspective in His Works*, Master Thesis in Persian Language and Literature, Faculty of Humanities and Social Sciences, Mazandaran University. [In Persian]
- Ghorbani, Mohammad Reza (1372). *Critique and Interpretation of Sadegh Hedayat's Works*, Tehran: Jarf Publishing.
- Katirai, Mahmoud (1349). *Sadegh Hedayat's book*, Tehran: Ashrafi and Farzin. [In Persian]
- Komisrov, D.S. (1380). *About the life and works of Sadegh Hedayat*, translated by Hassan Ghaemian, Sadegh Hedayat's book, by Ali Dehbashi, Tehran: Third Edition. [In Persian]
- Goodarzi, Simindokht (1389). *Review and critique of Sadegh Hedayat's translations of Pahlavi texts based on two books by Zand and Hooman Yesen and the biography of Ardeshir Babakan*, master's thesis, under the guidance of Abolghasem Esmailpour. [In Persian]
- Goodarzi, Simindokht (1390). "*Sadegh Hedayat and Iranology*", Book of the Month of Literature, Vol. 55, pp. 19-11. [In Persian]

۲۸۶ دوفصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، نگرش‌ها و نگارش‌های تاریخی صادق هدایت (نویسنده اول: قاسم زاده).

- Goodarzi, Simindokht (1392). "Comparative review of translations of *Ardeshir Karnameh* based on Sadegh Hedayat's translation", *Iranian Studies*, Vol. 12, No. 24, pp. 239-263. [In Persian]
- Gorin, Wilfred (1370). *Handbook of Literary Criticism Approaches*, translated by Zahra Mihankhah, Tehran: Information. [In Persian]
- Mir Abedini, Hassan (1380). "Sadegh Hedayat in the position of a literary critic", *Book of the Month of Literature and Philosophy*, Q4, pp. 10 and 11, pp. 34-41. [In Persian]
- Minavi, Mojtaba and Hedayat, Sadegh (1312). "Internal Press: *Maziar (1- History of his life and deeds 2- Historical drama in three scenes)*", *Mehr Magazine: First Year*, Vol.2. [In Persian]
- Minavi, Mojtaba and Hedayat, Sadegh (1342). *Maziar (1- History of his life and deeds 2- A historical drama in three scenes)*, Tehran: Amirkabir. [In Persian]
- Hashemi, Mohammad (1395). "A Study on Sadegh Hedayat's *Historical Drama*", <https://cgie.org.ir/fa/news/140737>. [In Persian]
- Hedayat, Jahangir (1387). "Half of the world of guidance", *Ferdowsi*, pp. 67 and 68, pp. 57-63. [In Persian]
- Hedayat, Sadegh (1309). *Parvin Dokhtar Sasan*, first edition, Tehran: Ferdowsi Library. [In Persian]
- Hedayat, Sadegh (1311). *Isfahan Half the World*, Tehran: Khavar Library. [In Persian]
- Hedayat, Sadegh (1312). *Nirangestan*, Tehran: Danesh. [In Persian]
- Hedayat, Sadegh (1321). "Cities of Iran", *Mehr Magazine*, Vol. 7, No. 1, pp. 47-55. [In Persian]
- Hedayat, Sadegh (1322). *Suspicious Report*, First Edition, Tehran: Javidan Publications. [In Persian]
- Hedayat, Sadegh (1331). *Shadow of Light collection*, Tehran: Sina Press. [In Persian]
- Hedayat, Sadegh (1342). *Zand and Hooman Yesen and the career of Ardeshir Babakan*, Tehran: Amirkabir. [In Persian]
- Hedayat, Sadegh (1342). *Alavieh Khanum and Velangari*, Tehran: Amirkabir. [In Persian]
- Hedayat, Sadegh (1342). *Benefits of vegetarianism*, Tehran: Amirkabir. [In Persian]
- Hedayat, Sadegh (1342). *Begour Live Story Collection*, Tehran: Amirkabir. [In Persian]

- Hedayat, Sadegh (1342). *Stray dog story collection*, Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- Hedayat, Sadegh (1377). *Isfahan Half the World*, with an introduction by Mohammad Baharloo, Tehran: Qatreh Publishing. [In Persian]
- Hedayat, Sadegh (1379). *Scattered writings of Sadegh Hedayat*, by Hassan Ghaemian, first edition, Tehran: Third Edition. [In Persian]
- Hedayat, Sadegh (1381). *Blind Owl*, Tehran: Javidan. [In Persian]
- Hedayat, Sadegh (1382). *Khayyam Sadegh: Collection of Sadegh Hedayat's works about Khayyam*, introduction and compiler by Jahangir Hedayat, Tehran: Cheshmeh Publishing. [In Persian]
- Hedayat, Sadegh (1385). *Three drops of blood*, Tehran: Jame Daran. [In Persian]
- Hedayat, Sadegh (1388). *Khayyam Songs*, by Renova Rasekh, Tehran: Tadbir Publishing. [In Persian]
- Hedayat, Sadegh (Bita), *Al-Ba'ath Al-Islamiyya to Al-Balad Al-Faranjia*, No location and publisher. [In Persian]
- Hashtroudi, Mohsen (1342). "*Khayyam, the poet-mathematician or the poet-mathematician*", Journal of the Faculty of Literature, Vol. 10, No. 3, pp. 303-310. [In Persian]
- Homayoun Katozian, Mohammad Ali, (1372). *Sadegh Hedayat from Myth to Reality*, translated by Firoozeh Mohajer, Tehran: New Design. [In Persian]
- Homayoun Katozian, Mohammad Ali (1380). *Government and Society in Iran: The Extinction of the Qajar and the Establishment of the Pahlavi*, translated by Hassan Afshar, Tehran: Markaz Publishing. [In Persian]
- Hillman, Michael (1371). "*Yearbook of Sadegh Hedayat's life*", Irannameh Magazine, No. 39, pp. 414-415. [In Persian]
- Yarshater, Ehsan (1979). *Sadeq Hedayat: An Anthology* (ed.). New York, Bibliotheca Persica.